

سیره سیاسی روحانیون شیعی

۶ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۲۸

در این دوره علمای شیعه از جمله شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ... با پدید آوردن آثار شیعی سعی کردند مردم را امیدوار به ظهور آن حضرت نگه دارند و از سویی اطلاعات و سؤالات فقهی و شرعی مورد نیاز آنها را پاسخ گویند. در این دوره، همچنین عالمان شیعه به حکام نزدیک و حتی وارد کارهای اجرایی شدند.

با رسمیت یافتن تشیع در دوره صفوی و دعوت علمای شیعه از سوی حاکمان این سلسله، ایران به کانون و مرکز علمای تشیع در دنیا تبدیل شد. در دوره افشار و زندیه اگرچه علما در بطن حوادث جامعه حاضر بودند، به علت مواضع نادرشاه افشار و کریم خان زند شاهد کاهش نقش پررنگ آنان هستیم تا اینکه در دوره قاجار به چند دلیل مجدداً نام روحانیت شیعه بر سر زبان‌ها افتاد. اولین دلیل این بود که شاهان قجری جهت مشروعیت‌بخشی به سلطنت خود نیاز مبرم به تأیید از سوی علمای برجسته شیعه داشتند؛ لذا این مسئله باعث مهاجرت برخی از علما از خطه عراق و لبنان به ایران شد. دلیل دوم این بود که عالمان دینی این دوره خود را موظف به رهبری سیاسی و دینی مردم در عصر غیبت و صیانت از استقلال و حاکمیت ملی اسلام و ایران می‌دیدند؛ البته حوادث و رخدادهایی را نیز که در دوره سلطنت قاجار اتفاق افتاد نباید نادیده گرفت و از آن جمله -اند جنگ‌های ایران و روس در زمان فتحعلی‌شاه، واگذاری امتیازات بی‌شمار به بیگانه (به‌ویژه در زمان ناصرالدین‌شاه)، انقلاب مشروطه (دوران مظفرالدین‌شاه) و ...

در هر حال در کتاب «نقش سیاسی علمای شیعه در عصر قاجار» نویسنده سعی کرده است با شرح مختصری درباره وضعیت سیاسی و اجتماعی عصر قاجار، بر مناسبات علمای شیعه با نهاد سلطنت تمرکز کند؛ به همین منظور، به ترتیب در هر یک از حوادث سیاسی، نقش عالمان برجسته شیعه در آن بررسی شده است؛ از جمله علمایی که نویسنده به آنها پرداخته است عبارت‌اند از: ملا احمد نراقی، میرزا مسیح مجتهد استرآبادی، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، سید محمدباقر شفتی، میرزای قمی، ملاعلی کنی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزای شیرازی، شیخ مرتضی انصاری، شیخ فضل‌الله نوری، شیخ محمدتقی اصفهانی (آقا نجفی)، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی، محمدحسین نائینی، سید حسن مدرس و سید ابوالقاسم کاشانی.

کتاب در شش فصل تنظیم شده است؛ در فصل اول با عنوان «کلیات تحقیق»، به بیان مسئله، سؤال‌های پژوهش، روش کار و دیگر مسائل نظری درباره این موضوع پرداخته شده است. گستره تحقیق طول دوره سلطنت قاجار است و سؤال اصلی پژوهش عبارت

است از اینکه تعامل علمای شیعه با نهاد سلطنت و رویکرد قاطبه آنها در برابر حوادث سیاسی و اجتماعی زمانه‌شان چگونه بوده است؟ هدف کلی کتاب آشنا کردن مخاطبان با نقش سیاسی علمای شیعه در دوران قاجار و رویکرد آنها به مسائل گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگارشان است.

«درآمدی بر دوران قاجار» عنوانی است که نویسنده برای فصل دوم کتاب انتخاب کرده است. در ابتدای این فصل به سلسله نسب ایل قاجار و چگونگی به قدرت رسیدن آنها به اختصار اشاره شده و آنگاه هر یک از پادشاهان این سلسله و حوادث مهم دوران تکیه زدن آنها بر تخت سلطنت معرفی شده است. نویسنده ذیل عنوان «اوضاع اجتماعی»، به طور گذرا از طبقات و قشرهای مختلف مردم اعم از روحانیت، شاعران، دانشمندان، صنعتگران و ... سخن گفته است.

خالقی نژاد در ادامه خلاصه‌وار به روابط ایران با دولت‌های روس، انگلیس، فرانسه و عثمانی و مهم‌ترین مسائل سیاسی و امتیازات و عهدنامه‌های ننگینی که با آن کشورها منعقد شده اشاره کرده است.

در فصل سوم «تشیع و سیاست»، نویسنده ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی شیعه را در فرهنگ لغات، کتب حدیثی و همچنین قرآن را ذکر کرده و سپس روایت‌های مختلف درباره خاستگاه تشیع و زمان پیدایش آن را شرح داده است. دیدگاه‌های مختلف در این باره ذیل دو نظر کلی جای داده شده است:

۱- دیدگاه محققانی که معتقدند تشیع بعد از رحلت پیامبر(ص) به وجود آمد و رشد و نمو کرد.

۲- دیدگاه محققانی که معتقدند ریشه تشیع را باید در زمان و عصر خود پیامبر(ص) جست. نویسنده خود نظر دوم را صحیح دانسته و با بیان جریان سقیفه بنی‌ساعده، روایات زیادی درباره جایگاه حضرت علی(ع) در زمان پیامبر(ص) بر-شمرده است. مهم‌ترین بخش این فصل، تبیین ارتباط تشیع و نهاد حکومت، سیره ائمه اطهار(ع) در برابر حکام زمانه‌شان و رفتارهای سیاسی آنهاست. نویسنده با بهره‌گیری از کتاب «سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع اثر حسن یوسفی اشکوری» سیر تحول اندیشه‌های سیاسی شیعی را طی زمان به پنج دوره تقسیم کرده است که این پنج دوره عبارت‌اند از:

۱- دوره امامت (۱۰- ۳۲۹ق)؛ در این دوره اندیشه سیاسی شیعه حول محور حضرت علی(ع) و فرزندان ایشان شکل گرفت.

۲- دوره رویکرد به امام عادل (۳۲۹- ۹۰۷ق)، این دوره با شروع غیبت امام زمان(عج) آغاز می‌شود و با ظهور سلطنت صفوی پایان می‌یابد. در این دوره علمای شیعه از جمله شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ... با پدید آوردن آثار شیعی سعی کردند مردم را امیدوار به ظهور آن حضرت نگه دارند و از سویی اطلاعات و سؤالات فقهی و شرعی مورد نیاز آنها را پاسخ گویند. در این دوره، همچنین عالمان شیعه به حکام نزدیک و حتی وارد کارهای اجرایی شدند. همکاری خواجه نصیرالدین طوسی و ابن علقمی با هلاکوخان (ایلخان مغول)، واگذاری نقابت شیعه از سوی خان مغول به علی بن طاوس و پیوند علامه حلی با سلطان احمد الجایتو

۳- دوران مشروعیت‌بخشی به سلاطین عادل (۹۰۷-۱۳۲۴ق)؛ این دوره از روی کار آمدن حکومت صفویه آغاز می‌شود و تا مشروطه ادامه می‌یابد.

۴- دوران رویکرد به حکومت مردمی و عرفی (۱۳۲۴ق - ۱۳۵۸ش)؛ که اغلب دوران پهلوی اول و دوم را شامل می‌شود.

۵- دوران آغاز ولایت فقیه، که با پیروزی نهضت حضرت امام(ره) آغاز شده است.

عنوان انتخاب‌شده برای فصل چهارم «علما در دوره اول سلطنت قاجار» است که دوره زمانی سلطنت آقا محمدخان قاجار و فتحعلی‌شاه را شامل می‌شود. در این فصل و همچنین فصول پنجم و ششم، شیوه کار نویسندگان به این قرار است که ابتدا شرحی مختصر درباره روحانی و عالم آن دوره شامل تولد، تحصیل، اندیشه و آرا، تألیفات و... ارائه کرده و آنگاه نقش او در حوادث سیاسی زمانه‌ای که در آن قرار داشته را بررسی نموده است. اولین روحانی که از او یاد شده ملا احمد نراقی است که در جریان جنگ‌های اول و دوم ایران و روس ورود پیدا کرد. ایشان با صدور فتوای جهاد علیه بیگانه همراه ملا عبدالوهاب قزوینی کفن پوشید و وارد سلطانیه شد. البته نویسنده به نام علمای دیگری که با نراقی هم‌دوره بوده‌اند اشاره کرده است. یکی دیگر از علمای معروف این دوره، شیخ جعفر کاشف‌الغطاء است که در نجف اشرف دیده به جهان گشود و به علت تألیف کتابی به همین نام در فقه به این نام معروف شد. ایشان هرچند کتابش را به فتحعلی‌شاه پیشکش کرد، اما اجازه نمی‌داد که او بدون آنکه از سوی مراجع شیعه تأیید شود، به حکومت خود مشروعیت ببخشد. نفوذ کاشف‌الغطاء در جنگ‌های ایران و روس به حدی بود که به فتحعلی‌شاه اجازه داد رهبری جهاد علیه بیگانگان را برعهده گیرد. نویسنده علاوه بر بیان مواضع سیاسی این عالم شیعی، به فعالیت‌های دینی او و مقابله‌اش با جریان انحرافی وهابیت هم پرداخته است. خالقی‌نژاد در پایان این فصل از کتاب، علل حمایت علما از فتحعلی‌شاه را بررسی و چنین برشمرده است: ۱- دلبستگی مذهبی فتحعلی‌شاه و رعایت مسائل شرعی و احترام به شعائر مذهبی از سوی ایشان؛ ۲- وقوع جنگ‌های ایران و روس از آنجا که کیان اسلام را در معرض خطر قرار می‌داد باعث نزدیک شدن روحانیت به این شاه قاجار شد؛ ۳- مقابله فتحعلی‌شاه با صوفیانه؛ ۴- مبارزه علمای اصولی با جریان اخباریگری باعث شد تا آنها روابط خود را با شاه شیعه تنگ‌تر کنند و از امکانات موجود بهره گیرند؛ ۵- فرقه شیخی‌گری (پیروان شیخ احمد احسائی) دشمنان سرسخت مجتهدان شیعه بودند که این مسئله لزوم همکاری مراجع و علمای تشیع را با شاه جهت نابودی شیخیه می‌طلبید.

فصل پنجم کتاب دوره دوم سلطنت قاجار (زمان حکومت محمدشاه و ناصرالدین‌شاه) را دربرمی‌گیرد. در این دوره برخلاف دوره فتحعلی‌شاه، مواضع اغلب علما علیه شاهان قاجاری است؛ چرا که آنها به مقابله با امتیازات واگذار شده به بیگانگان پرداختند و این رویکرد به ناچار آنها را روبه‌روی شاهان قجری قرار داد که در ازای واگذاری این امتیازات، پول‌های کلانی به جیب زده بودند.

مقابله ملا علی کنی در جریان امتیازنامه رویترو موضع گیری میرزای شیرازی در برابر قرارداد رژی از جمله این موارد هستند. در پایان این فصل به فعالیت‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی و نقش غیرمستقیم او در کشتن ناصرالدین‌شاه پرداخته شده و آنگاه نقل‌های مختلف مورخان درباره اینکه آیا او در این حادثه نقش داشته یا خیر به طور مفصل بررسی گردیده است.

فصل پایانی کتاب (فصل ششم) مفصل‌ترین فصل کتاب به شمار می‌آید و شامل بررسی نقش علما در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه، محمدعلی‌شاه و احمدشاه قاجار است. طولانی بودن این فصل به خاطر انقلاب مشروطه و گستردگی آن است. نویسندگان بحث را با زمینه‌های پیدایش مشروطیت آغاز نموده و نقش هر یک از مؤلفه‌ها از جمله ظلم شاهان قاجار، نقش مطبوعات، روشنفکران، انجمن‌ها و روحانیت را به تفکیک بررسی کرده است. او در ادامه با برشمردن زمینه‌های خارجی، به نقش امتیازدهی به دول بیگانه، حمایت‌های دولت انگلیس و همچنین نقش جنبش‌های آزادیخواهی و مشروطه‌طلب در جهان پرداخته است. نویسندگان برای روشن شدن مواضع علما در این دوره حساس، علما را به چهار دسته مدافع مشروطه مشروعه، مشروطه مذهبی ضد غرب، جریان مشروطه‌خواه آزادی‌طلب و علمای خنثی تقسیم کرده است. وی در ادامه علمایی را که در دسته سوم قرار می‌گیرند به دو بخش مشروطه‌خواه افراطی طرفدار غرب و جریان مشروطه میانه‌رو با گرایش دینی تقسیم کرده و برای هر دسته، اسامی برخی از علما را برشمرده است. در ادامه به تفصیل به نقش پررنگ شیخ فضل‌الله نوری در جریان مشروطه پرداخته شده است. خواننده با مطالعه این قسمت متوجه خواهد شد که نویسندگان به شیخ علاقه دارد و بر مواضع او مهر تأیید می‌نهد. خالقی‌نژاد در پایان این فصل، به معرفی سید حسن مدرس و سید ابوالقاسم کاشانی پرداخته که البته به لحاظ زمانی، با موضوع فصل تناسب ندارد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۰۶۵۳/شیعی-روحانیون-سیاسی-سیره>